



سید خلیل سجادپور
info@khorasannews.com

چهره و نجورش از تلخکامی های روزگار حکایت داشت. گویی کوهی از غم را به دوش می کشد. با آن که بیشتر از ۵۰ بهار از عمرش نگذشته بود اما روزهای وحشتناکی را می گذراند. او که در یکی از روستاهای اطراف مشهد به دنیا آمده بود با بیان این که عشق مجازی دخترم، خانواده ای را به آتش کشید، قصه تلخ زندگی اش را به سال ها قبل گر زده و گفت: تا کلاس سوم ابتدایی بیشتر درس نخواندم چرا که تحصیل دخترها در آن زمان مرسوم نبود. پدرم نیز روی زمینی که از پدر بزرگم به ارث رسیده بود، کشاورزی می کرد. مادر هم برای خودش یک زمین کشاورزی دیگر داشت که از پدرم هدیه گرفته بود ولی محصولات کشاورزی مادرم خیلی زود به فروش می رفت. در آن سال ها اهالی روستا اعتقاد داشتند مادرم «جن زده» و به قول آن ها «آل زده» شده است!

خلاصه من که پنجمین فرزند خانواده بودم در ۱۱ سالگی با پسر خاله ام ازدواج کردم. قصیر سنگ کار ساختمانی بود و از نظر مالی مشکلی نداشتم تا این که من بعد از تولد سومین فرزندم دیگر نمی توانستم فرزندی به دنیا بیاورم یعنی همه فرزندانم سقط می شدند. زمانی که به شدت ناامید شده بودم «خورشید» را به دنیا آوردم و او زنده ماند. خیلی خوشحال بودم. او دختری زیبا و شیرین زبان بود به طوری که زندگی ما را دگرگون کرد. هر روز که می گذشت بر زیبایی چهره دخترم افزوده می شد. او واقعا یک خورشید در خشان بود و بر دل ها جا می گرفت. از همان ۹ سالگی خواستگار ان زیادی داشت. از افراد غریبه گرفته تا اهالی روستا، مدام از دخترم خواستگاری می کردند اما خورشید به هیچ وجه راضی به از دواج نمی شد. او معتقد بود باید در سر بخواند تا پزشک شود. ما هم دیگر ماجرای از دواج او را جدی نگرفتیم تا این که در سن ۱۵ سالگی وقتی پدرش یک گوشی هوشمند برایش خرید، تازه فهمیدیم که او در شبکه اجتماعی «لاین» با پسری که ساکن آلمان است آشنا شده و با او ارتباط دارد. حالا دیگر «خورشید» آن دختر سابق نبود. در س هایش به شدت ضعیف شد و در خودش فرو رفت. و دیگر حتی در امور خانه داری هم به من کمک نمی کرد. تصور من هم این بود که این روزهای عاشقی زود گذر است و به محض این که کمی بزرگ تر شود خودش به خوبی می فهمد که این عاشقی ها فقط یک هیجانات روانی و هوس های زودگذر ناشی از بلوغ است.

خلاصه یک سال از این آشنایی و رفتارهای عجیب دخترم می گذشت که «صالح» به خواستگاری اش آمد، اما در همان پر خورد اولیه، تفاوت های فرهنگی و اجتماعی ما کاملاً آشکار بود و به همین خاطر پدر خورشید با این ازدواج مخالفت کرد ام «خورشید» اصرار به از دواج داشت و مدعی

آتشی که خانواده ای را سوزاند

عشق مجازی تا خودسوزی در لباس عروسی!

بود که «صالح» را دوست دار دو می خواهد با او به آلمان برود! ما هم که می دانستیم این ها فقط به خاطر هیجانات روحی و تبلیغات واهی در باره خارج از کشور است، پای حرف خودمان ایستادیم و به خانواده «صالح» پاسخ منفی دادیم. از آن روز به بعد دیگر هیچ کس خنده «خورشید» را ندید.

مدتی بعد «صالح» به دخترم پیشنهاد فرار داده و از خواسته بود تا مدارک هویتی اش را بردارد و با هم به آلمان بروند! آن شب «خورشید» پنهانی از خانه فرار کرد و به محل قرار با «صالح» رفته بود که یکی از بستگانمان به طور اتفاقی آن ها را دید و به شوهرم خبر داد. «قنبر» هم بلافاصله با موتور سیکلت به مسافر خانه رفت و دخترم را با کتک کاری و سر و صدا به خانه باز گرداند.



از آن روز به بعد وقتی ماجرای فرار دخترم در میان اهالی پیچید هر کس تهمتی می زد حرف های نامربوطی بر زبانشان جاری می شد. کار به جایی رسید که «قنبر» گوشی دخترم را گرفت و چند بار او را کتک زد. این در حالی بود که تا آن زمان «خورشید» جز نوازش و عشق پدرش چیزی ندیده بود. چندماه بعد از این ماجرا، خورشید ادا کرد که «صالح» ازدواج کرده است و این گونه خیال ما راحت شد. احساس می کردیم آن عشق هیجانی دوران نوجوانی از سر خورشید افتاده است ولی او هر روز بیشتر در خودش فرو می رفت و حتی در س و مدرسه راهم رها کرد. در این شرایط بود که پسر بزرگم عاشق دختر خاله اش شد و از سوی دیگر هم پسر خواهرم به خورشید عشق می ورزید اما خورشید «غلام» را دوست

نداشت و به این از دواج راضی نبود. من و خواهرم خیلی با خورشید صحبت کردیم ولی نشد!

خواهرم که اوضاع را این گونه دید، او هم با از دواج دخترش با پسر م «ابراهیم» مخالفت کرد. کار به جایی رسید که «ابراهیم» مقابل خواهرش زانو می زد و التماس می کرد تا با «غلام» از دواج کند که او هم به عشقش برسد! با این رفتار ها و التماس ها، بالاخره خورشید رضایت داد و با غلام ازدواج کرد. ابراهیم و سمیرا هم پای سفره عقد نشستند اما در طول یک سال دوران نامزدی حتی یک بار هم خورشید با غلام صحبت نکرد و او را به اتاقش راه نداد. در این وضعیت بزرگ تر ها معتقد بودند که اگر زندگی مشترک خودشان را آغاز کنند به یکدیگر علاقه مند می شوند و این روزها به پایان می رسد. این بود که با خانواده خواهرم توافق کردیم و عروسی

هر دو فرزندمان را با هم گرفتیم.

دو عروس و دو داماد در یک شب وارد جشن از دواج شدند اما آن شب «خورشید» به شدت ناراحت بود و مدام گریه می کرد.

خلاصه بعد از برگزاری جشن عروسی، خورشید و غلام به خانه خودشان رفتند اما من دلشوره عجیبی داشتم. قرار بود روز بعد مجلس «پاتختی» بگیریم اما هنوز هوا گرگ و میش بود که ناگهان «غلام» وحشت زده و سراسیمه به خانه آمد و فریاد زد «خورشید» را به بیمارستان بردند! با اضطراب و نگرانی خودمان را به بیمارستان امام رضا(ع) مشهور رساندیم. آن جا بود که فهمیدیم «خورشید» به بهانه سرویس بهداشتی بیرون از خانه رفته و با همان لباس عروس، خود را با ریختن بنزین به آتش کشیده است.

«غلام» که متوجه تاخیر عروس می شود به داخل حیاط می رود و با دیدن شعله های آتش، وحشت زده، ظرف آب را روی خورشید می ریزد اما به خاطر وجود بنزین آتش شعله ور می شود و این گونه خورشید تا ز مان رسیدن اورژانس در شعله های آتش می سوزد!

دخترم چند روز در بخش سوختگی بیمارستان بستری بود ولی بعد به دلیل عوارض شدید جان خود را از دست داد. از سوی دیگر «غلام» که با صحنه سوختن عشقش در شعله های آتش روبه رو شده بود مدتی بعد دچار بیماری روانی شد و هم اکنون در بیمارستان روان پزشکی این سینا بستری است. از طرف دیگر شوهرم نیز مدتی بعد دچار سکنه شد و اکنون فقط زندگی نباتی دارد. ابراهیم و سمیرا هم به خاطر همین مشکلات از یکدیگر جدا شدند و دو فرزند آن ها نیز اکنون با مانذگی می کنند. خلاصه این عشق مجازی، یک خانواده را به آتش کشید. اما ای کاش ... گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است: وقتی قصه تلخ این زن به پایان رسید، با دستور سرهنگ ابراهیم عربخانی (رئیس کلانتری گلشهر مشهد) اقدامات روان شناختی و مشاوره ای در دایره مدد کاری اجتماعی برای رهایی وی از این شرایط تاسف بار آغاز شد.

مدیر عامل آبفای منطقه ۴: رسانه‌ها در بحران کم آبی نقش حیاتی ایفا می‌کنند



آبفای استان تهران و زیرمجموعه‌های آن، به ویژه راه‌اندازی پوشش ۲۰ در ۳۰ اشاره کرد و افزود: «ارتباط مستمر با

رسانه‌ها به سازمان‌ها این امکان را می‌دهد که در شرایط حساس و بحرانی عملکرد موثری داشته باشند».

مدیرعامل آبفای منطقه ۴ از اصحاب رسانه درخواست کرد تا با اطلاع‌رسانی دقیق و تولید محتوای آموزشی، مردم را به مشارکت در مدیریت مصرف آب و پیوستن به پوشش ۲۰ در ۳۰ تشویق کننداین نشست با هدف ارائه اطلاعات شفاف و جلب همکاری رسانه‌ها در شرایط کم‌آبی برگزار شد و نمایندگان رسانه‌ها، ضمن استقبال از همکاری با شرکت آبفای منطقه ۴، آمادگی خود را برای ایجاد تعاملات بیشتر و موثرتر اعلام کردنددر ادامه، مدیر دفتر مدیریت مصرف آب به معرفی روش‌های بهینه‌سازی مصرف آب و ابزارهای کاهنده مصرف پرداخت و توضیحاتی جامع در این زمینه ارائه نمود.

۴۵ درصدی جابه‌جایی کالا در استان سیستان و بلوچستان



معاون حمل و نقل اداره‌کل راهداری و حمل و نقل جاده‌ای سیستان و بلوچستان از جابه‌جایی ۴۱۱ هزار و ۶۲۱ تن کالا در این استان طی فروردین ماه ۱۴۰۴ خبر داد که این میزان رشد ۴۵ درصدی را نسبت به مدت مشابه سال گذشته نشان می‌دهد. باقری افزود: در فروردین ماه سالجاری، میزان ۴۱۱ هزار و ۶۲۱ تن کالا در قالب ۲۷ هزار و ۴۴۲ سفر باری از مبدأ سیستان و بلوچستان به سایر نقاط کشور حمل شد. وی عمده کالاهای جابه‌جا شده در این مدت را سیمان، فرآورده های نفتی و آرد اعلام کرد و افزود:از این میزان جابجایی کالا، ۳۵۷ هزار و ۳۴۲ تن کالا، درون استانی و ۵۴ هزار و ۲۷۹ تن کالا به مقصد برون استانی حمل شده است.

معاون حمل و نقل اداره‌کل راهداری و حمل و نقل جاده‌ای سیستان و بلوچستان تصریح کرد: در حال حاضر۳ پایانه بار، ۸۱ شرکت حمل و نقل کالا و بیش از ۱۱ هزار راننده و ناوگان باری فعال در محدوده تحت پوشش این اداره کل وظیفه جابجایی کالا را بر عهده دارند.

آئین افتتاح دبیر خانه کمیته مشارکت‌های مردمی و مسئولیت‌های اجتماعی شهرهای آسیایی در اراک



المللی اشاره کرد و افزود: دبیرخانه کمیته مشارکت‌های مردمی، علاوه بر تقویت حس تعلق شهری، می‌تواند زمینه‌ساز معرفی هر چه بیشتر شهر اراک به‌عنوان شهری با میراث فرهنگی و تاریخی غنی باشد شهری که در زمینه مسئولیت‌پذیری اجتماعی و مشارکت مردمی جایگاه ویژه‌ای دارد و اکنون شهرداری اراک گام بلندی در معرفی این ویژگی در مجامع بین‌المللی برداشته است. وی خاطرنشان ساخت: شهر اراک با قدرت و تمرکز مسئولیت این دبیرخانه را به عهده گرفته و امیدواریم سایر شهرهای ایران همگام با شهر اراک این مهم را گسترش دهند. شهردار اراک ابراز امیدواری کرد که با راه‌اندازی این دبیرخانه، گام اول در مسیر شانس‌اندن هویت واقعی اراک و استان مرکزی به مردم ایران و جامعه بین‌المللی برداشته شود.

تعزیر ۸۸ میلیاردی جایگاه‌دار توزیع سوخت در ایرانشهر

مدیرکل تعزیرات حکومتی سیستان و بلوچستان از محکومیت ۸۸ میلیارد ریالی جایگاه دار توزیع سوخت خبر داد. منصور انصاری در گفت‌وگو با تسنیم در زاهدان اظهار داشت: کارشناسان شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه چابهار که شهرستان‌های جنوبی استان سیستان و بلوچستان را تحت پوشش دارد، پس از بررسی عملکرد جایگاه‌های سوخت در منطقه کسری غیرمعتارف سوخت در یکی از جایگاه‌های عرضه سوخت شهرستان ایرانشهر را کشف و گزارش تخلف را برای رسیدگی به تعزیرات حکومتی ارسال کردندمدیرکل تعزیرات حکومتی استان سیستان و بلوچستان افزود: پرونده فروش ۲۶۴هزار و ۱۹۰لیتر بنزین و ۱۸ هزار و ۷۶۴لیتر گازوئیل قاچاق در جایگاه توزیع سوخت روستای «جنگبکو» به ارزش ۴۴ میلیارد و ۳۷۴میلیاردریال در شعبه ویژه رسیدگی به تخلفات قاچاق کالا و ارز تعزیرات حکومتی ایرانشهر رسیدگی شدوی ادامه داد: شعبه پس از بررسی مستندات موجود در پرونده، استعلام انجام شده از شرکت نفت، اتهام انتسابی را محرز و متخلف را به پرداخت ۸۸ میلیارد و ۷۴۹ میلیون ریال جزای نقدی معادل دو برابر ارزش ریالی تخلف محکوم کرد.